



معنی لغت‌های مهم درس

بدان:	آگاه باش	مادا:	همواره، همیشه
اصیل:	با اصل و نسب، نژاده	صحبت:	هم نشینی و معاشرت
خاصه:	مخصوصاً	بگریز:	فرار کن
طالب:	جوینده، خواهان، دانشجو	طعن:	سرزنش
استراق سمع:	پنهانی و دزدیده گوش دادن	عز:	ارجمندی
داعیه:	انگیزه، علت	وجه:	راه، قصد، صورت
شوکت:	شکوه	بی‌هنر:	بی‌فضیلت و بی‌معرفت
خیره:	بیهوده، بی‌پروا	پست:	فرومایه، خراب، خوار، زبون
رحلت:	کوچ، سفر	جاه:	مقام، درجه، شکوه
مداخلت:	دخالت کردن	خوض نمودن:	فرو رفتن
مغیلان:	خار، نوعی خار	داد:	عدل، حق

معنی عبارات های مهم درس

بدان که مردم بی‌هنر، مادام بی‌سود باشد، چون مغیلان که تن دارد و سایه ندارد؛ نه خود را سود کند و نه غیر خود را. آگاه باش که انسان بی‌فضیلت همیشه بی‌بهره است، مثل گیاه خار شتر که تن و ساقه دارد، اما سایه و سودی ندارد؛ نه به خودش بهره و سودی می‌رساند نه به دیگران.

جهد کن که اگر چه اصیل و گوهری باشی، گوهر تن نیز داری که گوهر تن از گوهر اصل بهتر بود. تلاش کن که اگر چه اصل و نسب خوبی داری ولی صفات اکتسابی (=دانش و فضیلت) خوبی نیز داشته باشی؛ زیرا دانش و فضیلت (= گوهر تن) از اصالت خانوادگی (=گوهر اصل) بهتر است.

چنانکه گفته‌اند: بزرگی، خرد و دانش راست نه گوهر را آنچنان که گفته‌اند بزرگی انسان به عقل و دانش است نه اصل و نسب اگر مردم را با گوهر اصل، گوهر هنر نباشد، صحبت هیچ کس را به کار نیاید و در هر که این دو گوهر یابی، چنگ در وی زن و از دست مگذار که وی همه را به کار آید... اگر انسان با اصل و نسب باشد، اما دانش و فضیلت نداشته باشد، هم نشینی و معاشرت با وی برای هیچ کس سودمند نیست و در هر کس که این دو گوهر (اصل و نسب و دانش و فضیلت) را دیدی او را به دست آور و رها نکن، زیرا او برای همه فایده دارد.

سخن، ناپرسیده مگوی و از گفتار خیره پرهیز کن. چون باز پرسند، جز راست مگوی. تا زمانی که سخنی را از تو نپرسیده‌اند، حرفی نزن و از سخن بیهوده، دوری کن. وقتی از تو چیزی می‌پرسند فقط سخن راست را بگو.

تا نخواهند، کس را نصیحت مگوی و پند مده، خاصه کسی را که پند نشنود که او خود اوفتد تا وقتی از تو نخواهند، کسی را نصیحت نکن و پند و اندرز نده، به ویژه کسی را که پند و نصیحت گوش نمی‌کند. زیرا چنین

کسی در نهایت گرفتار می‌شود.

از جای تهمت زده پرهیز کن و از یار بد اندیش و بد آموز بگریز.
از مکانی که ممکن است به خاطر رفت و آمد در آن به تو تهمت زده شود، پرهیز کن، از دوست بدخواه و گمراه کننده دوری کن.

داد ده تا داد یابی. خوب گوی تا خوب شنوی

عدالت را رعایت کن و حق مردم را بده تا تو نیز عدالت ببینی و حقت را بدهند. حرف خوب بزن تا حرف خوب بشنوی.

اگر طالب علم باشی، پرهیزگار و قانع باش و علم دوست و بردبار و کم سخن و دور اندیش.
اگر به دنبال علم هستی، باتقوا و پاکدامن باش و دوستدار علم و شکیبا، کم تر سخن بگو و آینده نگر باش.

آدمی باید که بسیار نگوید و سخن دیگری به سخن خود قطع نکند.

انسان نباید زیاد حرف بزند و هم چنین نباید با حرف زدن خود صحبت دیگران را قطع کند.

اگر سوال از جماعتی کنند که او داخل آن جماعت بود، بر ایشان سبقت ننماید و اگر کسی به جواب مشغول شود، او بر بهتر جوابی از آن قادر بود، صبر کند تا آن سخن تمام شود، پس جواب خود بگوید. بر وجهی که در متقدم طعن نکند
اگر از گروهی پرسش کنند و او نیز در میان آن گروه باشد، در پاسخ دادن به آن سوال خود را جلو نیاندازد و عجله نکند. اگر کسی در گروه مشغول جواب دادن باشد و او توانایی پاسخ گویی بهتری را داشته باشد، باید صبر کند تا پاسخ آن شخص تمام شود. سپس پاسخش را به گونه‌ای دیگر بیان کند که شخص قبلی مورد سرزنش قرار نگیرد.

و در محاوراتی که به حضور او میان دو کس رود، خوض ننماید و اگر از او پوشیده دارند، استراق سمع نکند و تا او را با خود در آن مشارکت ندهند، مداخلت نکند.

و در گفت و گوهایی که در حضور او بین دو نفر انجام می‌گیرد، دقیق نشود و اگر صحبت‌هایشان را از او پنهان می‌کنند، پنهانی به حرف‌هایشان گوش نکند. تا او را در صحبت‌های خود شریک نکرده‌اند، دخالت نکند.

خود ارزیابی

سوال ۱: هنگام سخن گفتن دیگران به چه نکاتی باید توجه کرد؟ (۱) زیاد حرف نزنند (۲) سخن دیگران را قطع نکند. (۳) سوال دیگران را پاسخ ندهد و فقط سوالات مخصوص خودش را پاسخ دهد (۴) اگر سخنی را کسی روایت می‌کند، نسبت به آن اظهار بی‌اطلاعی کند و نگوید آن را می‌دانم تا سخنش تمام شود. (۵) و...

سوال ۲: بیت زیر با کدام بخش درس ارتباط معنایی دارد؟

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش ز یک گوهرند

به غم مردمان شادی مکن تا مردمان نیز به غم تو شادی نکنند.

سوال ۳: یک زندگی موفق دارای چه ویژگی‌هایی است؟

دارای برنامه ریزی، هدف، رفتار درست با اطرافیان، در نظر گرفتن انصاف در هر کاری، احترام به دیگران، داشتن خانواده خوشحال و موفق و...

سوال ۴: هدف درس را در چند جمله بنویسید. هدف درس آموزش آداب اجتماعی است. آدابی مانند سخن گفتن، گوش کردن، پاسخ دادن و...



گفت و گو

سوال ۱: درباره آداب معاشرت و اخلاق نیکو در زندگی اجتماعی بحث و گفت و گو کنید.

در زندگی اجتماعی رفتار و کردار انسان، فقط مربوط به خودش نیست بلکه به تمام جامعه مربوط است؛ یعنی رعایت هنجارها و آداب و رسوم مربوط به اجتماع تأثیر بسزایی در سرنوشت دیگر انسان‌ها دارد. انسان‌ها باید روش زندگی خود را با دیگر اجزای جامعه تطبیق دهند. از آداب معاشرت می‌توان به کم حرف زدن و به موقع سخن گفتن و از اخلاق نیکو به راست گویی، غیبت نکردن، شاد کردن دل دیگران، گناه نکردن، خوش اخلاق بودن، نیکی و صلح رحم، تبسم کردن و... اشاره کرد. انسان باید تلاش کند خدایی فکر کند، خدایی سخن بگوید و خدایی عمل کند و رفتار و کردار و راز و نیازش همیشه با خداوند باشد.

سوال ۲: درباره ابیات زیر و ارتباط آن با درس گفت و گو کنید.

کم گوی و به جز مصلحت خویش مگوی چیزی که نپرسند تو از پیش مگوی
دادند دو گوش و یک زبانت ز آغاز یعنی که دو بشنو و یکی بیش مگوی

شعر به آداب سخن گفتن و گوش کردن توصیه می‌کند انسان باید کم حرف باشد و به جا سخن بگوید و تا چیزی از او نپرسیده‌اند دخالت نکند و سعی کند بیشتر شنونده باشد تا گوینده زیرا انسان دو گوش دارد و یک دهان پس سهم گوش از دهان بیشتر است.

نوشتن

سوال ۱: هم خانواده واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

اتّهام، اقناع، طعنه، مقدّم، استماع، مقطوع، مطلب، مقتدر، مجتهد، اصیل

اتّهام	تهمت	طعنه	طعن	استماع	سمع
اقناع	قانع	مقدّم	مقدم	مقطوع	قطع
مطلب	طالب	مقتدر	قادر	مجتهد	جهد
اصیل	اصل				

سوال ۲: فعل‌های مضارع را مشخص کنید و نوع آنها را بنویسید.

«اینک دارم برای شما می‌نویسم، شاید بخوانید و به کار بندید؛ هرگاه ذهن تان را از کژاندیشی بپیرایید، دلتان را از احساس ناروا بشوید و از بی رسمی‌ها بپرهیزید، خداوند با شما همراه می‌شود؛ پست و بلند آوای درونتان را می‌شنود و رفتار شما را به سامان می‌آورد»

فعل	دارم	می‌نویسم	بخوانید	ببندید	بپیرایید	بشوید	بپرهیزید	می‌شود	می‌شنود	می‌آورد
نوع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع	مضارع
فعل	اخباری	التزامی	التزامی	التزامی	التزامی	التزامی	التزامی	اخباری	اخباری	اخباری

سوال ۳: عبارت زیر را در یک بند واضح دهید.

«گوهر تن، از گوهر اصل، بهتر بود»

داشتن اصل و نسب، پدر و مادر باسواد، خاندان اصیل و... خوب است اما اگر انسان از گوهر وجودی خود و از گوهر تنش استفاده کند و با تلاش و گوهر اکتسابی خود به جایی برسد و گوهر تن داشته باشد بهتر است زیرا همیشگی است.



معنی عبارات ها و بیت های حکایت

امیر خراسان را پرسیدند که تو فردی فقیر و بی چیز بودی و شغلی پست داشتی، به امیری خراسان چون افتادی؟
از حاکم خراسان پرسیدند که تو فردی فقیر و بی چیز بودی و شغل کم اهمیتی داشتی چگونه حاکم خراسان شدی؟

گفت: روزی دیوان « حَنْظَلَةُ بادغیسی » همی خواندندم بدین دو بیت رسیدم:

مَهْتَری گر به کـــام شیر در است	شو، خــــطـر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز و نــــعمت و جاه	یا چـــو مــــردانت مرگ، رویاروی

گفت: یک روز دیوان حَنْظَلَةُ بادغیسی از شاعران فارسی زبان را می خواندم این دو بیت را دیدم.
اگر سروری و بزرگی در دهان شیر است، برو خطر را بپذیر و از دهان شیر سروری را بیرون بکش. با این کار بزرگی و ارجمندی و نعمت و مقام را به دست می آوری یا مانند مردان بزرگ می میری.

داعیه ای در باطن من پدید آمد که به هیچ وجه در آن حالت که اندر بودم، راضی نتوانستم بود.

آنچنان که گفته اند بزرگی انسان به عقل و دانش است نه اصل و نسب

دارایی ام بفروختم و اسب خریدم و از وطن خویش، رحلت کردم. به دولت صفاریان پیوستم
تمام اموال و داری خود را فروختم و یک اسب خریدم و از سرزمین خود کوچ کردم و به دولت صفاریان و حکومت آنها پیوستم.

هر روز برشکوه و شوکت و لشکر من افزوده می گشت و اندک اندک کار من بالا گرفت و ترقی کرد تا جمله خراسان را به فرمان خویش در آوردم. اصل و سبب، این دو بیت بود.

هر روز که می گذشت بزرگی و مقام و سپاه من زیادتر می شد و کم کم کارهایم پیش می رفت و پیشرفت کردم تا این که تمام خراسان را به زیر فرمان خود در آوردم. علت و اصل این همه بزرگی و پیشرفت من تاثیر خواندن همان دو بیت بود.